



دوره هفتم تقنینیه

جله	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۹۴		۹۴
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمه اشتراک
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود	علمه ایران سالیانه ده تومان خارجیه ۴ دو از ده تومان
جله یکشنبه ۲۲	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود	قیمه تک شماره
دعاه ۱۳۰۸	مطبعة مجلس	یک قران
مطابق ۱۱ شعبان		
۱۳۴۸		

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۲ دیماه ۱۳۰۸ * (۱۱ شعبان ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) سؤال آقای فیروز آبادی راجع بتوقف متهمین انبار و جواب آقای وزیر عدلیه
- ۳) مذاکره در لایحه تأمین مدعی به از ماده ۳۲
- ۴) اقتراح برای شرفیابی و عرض تبریک هبه مولود امام عصر م
- ۵) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس پنجشنبه ۱۹ دی ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *

- رئیس - آقای آقا سید یعقوب
- آقا سید یعقوب - قبل از دستور
- رئیس - آقای حیدری
- حیدری - قبل از دستور
- رئیس - آقای فیروز آبادی
- فیروز آبادی - قبل از دستور

* عین مذاکرات مشروح لود و چهارمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵) دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :
غائبین با اجازه آقایان : فومی - افخمی - بور محسن - بوشهری - دکتر امیراعلم - فولادوند - دیوان بیگی - آقا زاده سبزواری - حشام زاده - موخر - اورنگ - بروجردی - امیر حسین خان - اعتبار - مهدوی - کفائی - ارباب کبکچرو - رفیع - مور ناش

غائبین بی اجازه : آقایان : میرزا حسن خان وثوق - بیات ماکو - آصف - اعظم - حبیبی - لرستانی - ناصری - حاج غلامحسین ملک
رام - ملک مدنی - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - بیات - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک

دیر آمدگان با اجازه : آقایان : نجومی - عبدالحسین خان دیا
دیر آمدگان بی اجازه آقایان : شریعت زاده - کیا - اسدی

رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست ؟
(نمایندگان - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

بعضی از نمایندگان - دستور

رئیس - وارد دستور شویم ؟

بعضی از نمایندگان - بله

[۲ - سؤال آقای فیروز آبادی راجع بتوقیف متهمین انبار و جواب آقای وزیر عدلیه]

رئیس - آقای فیروز آبادی سؤالی از آقای وزیر عدلیه کرده بودید ایشان برای جواب مهیا هستند سؤالتان را بفرمائید .

فیروز آبادی - بنده اولاً خدا را در حضور همه

آقایان شاهد میگیرم که در اینجا که میایم غرض بدی به احدی نداشته و ندارم و امید وارم که همیشه بهمین

حال باقی بمانم در اینجا که میایم غرض این است که چون قوانین اسلامی را از طرف خدا میدانم و امروز

قوانین اسلامی را بهترین قوانین از برای اصلاح حال بشر میدانم و بقدر قوه که دارم آن را تقویت میکنم و

در این زمینه همه چیز خوابیده . آسایش بشر در این قوانین خوابیده استقلال مملکت خوابیده رفع فساد از

مملکت خوابیده همه چیز در این عقیده است و هروقت وضعیات به بنده اجازه بدهد عقیده دارم هر چیزی که

اسباب آسایش نوع بشر یا بعضی از افراد بشر بشود بیایم اینجا عرض کنم در چندی قبل آقای وزیر عدلیه

یک پیشنهادی به مجلس کردند و اختیاری از مجلس خواستند که در عرض شش ماه بعضی از امور را در

موقع امتحان و اجرا در بیاورند و اگر خوب شد پیشنهاد بمجلس کنند و قانونش بکنند که عملی بشود

بنده در همان روز هم مخالف بودم و عرض میکردم که خوب نمیشود قوه قضائیه ' قوه مقننه ' قوه مجریه ' همه یک جا باشد این هم بر خلاف مشروطیت است و هم

بر خلاف همه چیز ها ولی از آنجائی که مجلس به آقای وزیر عدلیه اعتماد داشت (ملک آرائی - و دارد) در اینموضوع بخصوص رأی داد و امیدوارم که نتیجی پیدا نکند نه در این دوره و نه در هیچ دوره بعد م بموجب اجازه که از مجلس گرفتند مشغول عملیات شدند از جمله عملیات ایشان این شد که گفتند در انبار یک مقداری جنس مفقود شده گم شده معلوم نیست چه شده ایشان هم چون خواستند آن جنس را پیدا کنند مختلسین را پیدا کنند در صدم معلوم کردن آن جنس برآمدند و عده را گرفتند توقیف کردند استنطاق کردند و الا ن نزدیک دو ماه است که آنها در حبس هستند بعضی در حبس تاریک بعضی ها غیر تاریک اینها در حبس هستند برای اینکه این اختلاس که ادعا شده است کشف بشود و حال آنکه اساس مشروطیت این نبود و اساس مشروطیت را بنده می بینم در واقع متزلزل است در مملکت
روحی - اینطور نیست آقای

فیروز آبادی - برای اینکه هیچ قانونی اجزا نمیدهد که کسیکه تقصیرش معلوم نیست دو ماه در حبس بماند اگر مشروطه این است کسی مشروطه نمیخواهد خوب حالا اینهارا کار ندارم چون حالا خیلی جبر آقایان طول کشیده و آبجالح عم ما اطلاع پیدا نکردیم که نتیجه حبس این قبیل اشخاص چه اشخاصی که بعنوان اختلاس انبار حبس شده اند و چه اشخاصی که از نقاط دور دست و نزدیک بعنوانات دیگر با عنوان قاچاق تریاک حبس شده اند وقتی که بنامش یک ماه بیست روز آنها را استنطاق کردند چیزی معلوم نشد باید آنها را رها کنند یا اینکه اگر معلوم شده بگویند این تقصیرش است اینهم مجازاتش ورها کنند و همیشه اینها در حبس نمانند این لطمه و صدمه به مشروطیت ایران وارد می آورد یک لطمه بقانون اساسی وارد می آورد یعنی روح قانون اساسی و مشروطیت را از بین میبرد و مشروطیت عبارت میشود از این اعمال و گمان نمیکند

دولت و خود و کلا و هیچکس راضی باین اعمال شد خلاصه بنده چون نمیدانستم و در اطراف هم مذاکراتی در این زمینه میشد و مردم دلتنگ از مجلس دولت بودند و بنده چون عقیده ندارم که کسرا بگذاریم امروز از دولت یا از مجلس دلتنگ بشود اینکه این امنیت که امروز داریم همیشه برقرار بماند از این جهت مجبور شدم این سؤال را از آقای وزیر عدلیه کنم که در این مدت قریب دو ماه که اشخاص محترم در حبس هستند چه کشف شده چه عاید شده و تا کی خیال دارند آنها را در توقیف نگاه دارند این عرض بنده است .

وزیر عدلیه (آقای داور) - نماینده محترم یکی از نمایندگان می هستند که مکرر در لزوم مجازات و حتی در شدت مجازات آمده اند و بیاناتی فرموده اند
فیروز آبادی - صحیح است در باره دزد واقعی حقیقی .

وزیر عدلیه - تأکیداتی کرده اند و حتی خاطر می آید که مکرر فرموده اند این مجازاتها شدید نیست
فیروز آبادی - بله باید دست دزد ها را برید

وزیر عدلیه - و باید دست دزد را برید (فیروز آبادی - صحیح است صحیح است) بنده در حسن نیت ایشان هیچوقت تردید نداشته و نخواهم داشت ولی ایشان نشان میخواهد که توپ بی صدا باشد و نمیشود توپ صدا دارد (خواجوی - صحیح است) توپ بی صدا بر نمی آید از هیچکس بر نمی آید وقتی میخواهند مجازات بشود شدت بشود طوری بشود که مردم ملاحظه کنند قلب نکنند مال دولت را نبرند البته توقیف یک اقداماتی میشود که شما با همان حسن نیت عرض اینکه آن بیچاره که مأمور اقدام است و بواسطه همان بیانات و حرف های شما و همان تأکیدات شما بواسطه پیش بردن همان نظریات می آید

یک تقاضائی میکند پیشنهادی میکند و شما یک اختیاراتی بهش میدهید بعد میرود عمل می کند و همه مردم بهش فحش میدهند برای اینکه غرض و مقصود شما را پیش برود عوض اینکه شما از این شخص حمایت بکنید خود شما هم اینطور میکنید حالا بنده با اینکه دو سه روز است سخت مریضم و حالا ها خیلی بزحمت حرف میزنم مخصوصاً امروز آدم اینجا و موقع را مقتضی می شمارم و خیلی هم خوشوقت هستم که این سؤال شد که بنده بتوانم در پشت تریبون مجلس جواب این بیانات آقایان را بگویم بگذردی هم افکار مردم متوجه شود بان اندازه که ممکن است کمتر بمن فحش بدهند (بعضی از نمایندگان - صحیح است) عرض کنم اول بنده میخواهم بگذردی وضعیت ارزاق را از برای آقایان تشریح کنم برای اینکه اگر این مقدمه نباشد مطلب خیلی واضح نمی شود . بنده مثل سایر افرادی که در این شهر هستند و مثل خود آقایان مکرر در مکرر شنیدم که امور ارزاق خوب اجرا نمیشود تا چندی پیش راپورتی رسید که رفته اند رسیدگی کرده اند جنس را وزن کرده اند و یک مقداری کسر دارند این راپورت را بدیوان جزا دادند مدعی العموم دیوان جزا به بنده مراجعه کرد بنده گفتم نظر باشک راپورت اینها آمده شما بایستی بروید تحقیق کنید . رفتند از طرف دیوان جزا شروع کردند به تحقیقات آن تحقیقات شاید قریب بدوماه طول کشید و قرائن و دلائل زیادی هم از برای این کسر انبساط وجود داشت بعد ما مجبور شدیم اقدامات خودمان را بکنند شدید تر کنیم تا این که بتوانیم از این کلیات یک نتایج عملی بگیریم این بود که آن قانون را آن لایحه را آوردم و آقایان هم موافقت فرمودند و اکثریت رأی دادند که بنده این اقدامات را بکنم . اگر بنده آدمی بودم که میخواستم برخلاف قانون کاری کرده باشم دیگر لزومی نداشت بیایم و خودم را صریحاً طرف قرار بدهم همان طوری که ملاحظه میفرمائید بنده از برای

پیش بردن يك فكري از نقطه نظر شخص خودم شاید يك كار خطبی کرده باشم برای اینکه ممکن بود يك کسی اگر میخواهد يك کاری بکند یا بفرض یا به حقیقت کاهی در بعضی موارد هم بر خلاف قانون عمل کنند و آن مقصود را پیش ببرد ولي بنده نخواستم اینکار را بکنم بنده برای اینکه خودم مستقیماً این کار را کرده باشم آدمم اینجا و خودم را مسئول قرار دادم .. (طلوع) و فحش را برای نمایندگان درست کردید) برای اینکه خودم این کار را رسیدگی و عمل کنم قانوناً بعد از آنکه وارد این اقدامات شدید معلوم است يك عده دستگیر شدند مطابق آن راپورتی که کمیسیون اول داده بود حدس می زدم و حساب می کردم و هنوز هم حساب میکنیم که شانزده هزار خروار از جنس انبار کسر آمده است در بین رسیدگی معلوم شد که علاوه بر آن کسر يك قضیه دیگری هم در کار بوده است و آن این است دولت وقتی دید احتیاج به جنس زیاد ندارد و صد هزار خروار جنس در انبارش مانده آمد اعلان کرد که فقط جنس حومه طهران را میخرد بمبلغ بیست و دو تومان و اگر از خارج جنس بیارند آن را بفلان مبلغ تخفیف خریداری میکند بعد معلوم شد که جنسی که به انبار وارد شده بمراتب بیشتر از آن جنسی بوده است که حومه طهران میتواند است دهد هم چنین حساب میکنند مطابق يك قرائنی که سی هزار خروار از جنسی که از عراق و قزوین و زنجان (فیروز آبادی - کرمانشاه) و کرمانشاه آمده است بانبار وارد شده تفاوتش را حساب کنید از قرار خرواری ده تومان افش میشود سیصد هزار تومان (صحیح است) سیصد هزار تومان يك طرف و شانزده هزار خراور دیگر از قرار خرواری بیست و دو تومان آقا حساب بفرمائید قضیه قریب ششصد هزار بلکه هفتصد هزار تومان دوسیه اختلاس انبار است خوب در اینجا باید چند قسمت را در نظر بگیرند .

وضعیت نان طهران را الان باید در نظر بگیرند گران نان را در نظر بگیریم بدی نان را در نظر بگیریم که اینها از کجا ناشی شده ...

کازرونی - همه اش از این انبار شده .

وزیر عدلیه - در آن سالی که تنگی و قحطی آمد دولت يك پولی ریخت و از نقاط مختلف و تقار خیلی بعید گندم آورد از برای طهران و بعد حساب کرد دید چهار میلیون خرج کرده است در این باره باین خیال افتاد که این چهار میلیون را که من از وجوه عمومی دادم از برای ارزاق طهران این را باید در بیاریم بنا بر این ولو اینکه سال هم خوب است من بایستی ارزاق را نگهدارم تا اینکه از عایدات این سنوات خوب بتوانیم جبران سنوات بد را بکنم روزی این فلسفه آمد و دستکاه ارزاق را مرتب کرد اگر این دزدی ها نبود اگر این قلب ها نبود دولت میتواند عایداتی پیدا کند میبایستی اگر سال پیش موفق نبود امسال لا اقل تا سال آتی تمام آن چهار میلیون را بر دارد و ول کند ارزاق را که مردم این شهر را بتوانند نان خوب و ارزان بخورند (صحیح است) ولیکن معلوم شد که در انبار علاوه بر شیشه و موش چهار یا موثر دو پا هم هست (خنده نایندگان) هر چه از این نظر دولت نفع میکرد از طرف دیگر میبردند (طلوع) چرا این کار را دولت میکند تمام اینها کار غلط دولت است) نتیجه بعد از آنکه ما آمدیم و بکده و يك اشخاصی را گرفتیم اول بنده عرض کنم که تمام این اشخاصی که در روز های اول تعقیب شدند توقیف شدند تمامشان مقصر نبودند بعد از آنکه رسیدگی شد و معلوم شد چه وضعیتی است بعد از دروز سه روز پنج روز بتدریج رها کردند يك عده دیگر باقی ماند آقا ممکن است بفرمائید که آن اشخاصی که گرفتند و بعد از رسیدگی معلوم شد که بی تقصیر بودند چرا گرفتند بنده عرض میکنم هنوز دنیا موفقی

نده است که وقتی تعقیب يك جرمی را میکند قطعاً آن روز اول درست دستش را بگذارد روی آن بلکه مقصر است در هر جایی که شما ملاحظه می مائید خواه دزدی و اختلاس نسبت بمال دولت باشد خواه مال مردم باشد چه قتل باشد چه جرم دیگر لاخره يك اشخاصی بيك قرائنی طرف سوء ظن واقع میشوند و آنها را میگیرند و توقیف میکنند ولی معلوم میشود که بعضی هاشان بی تقصیر هستند و هائمی را هم که تقصیر دارند مجازات میکنند غیر از این نمیتوانند هنوز در هیچ جای دنیا موفق نشده اند . و دنان فکر کنید به بینید عملی نیست نمیتواند انسان را قطع کسیرا بیاید تعقیب کند که بداند آن شخص محضراً مقصر است برای اینکه باید اولاً يك تحقیقاتی برد تا اینکه کاملاً معلوم شود بنده کاملاً اقرار دارم متقدم که بشود بصرف حرف هم رفت يك کسیرا گرفت توقیف کرد و گفت میخواهیم به بینیم که تو مقصر هستی یا نه خیر البته باید يك قرائن و مدارکی باشد که آن قرائن و مدارک نمیتواند بقدری قوی باشد . نمیتوانید شما بیاید بگوئید هر وقت من يك مدارک می داشتم بر اینکه يك کسی مقصر است او را بگیرم چون اگر نخواهید این کار را بکنید موفق به کشف هیچ چیزی نخواهید شد مثل اینکه در همین قضیه انبار دو ماه با قانون سابق با وضعیت سابق با همان مدعی العموم همان مستنطق با همان دستکاه محاسبات مالیه همه رفتند بیادگی کردند و نتوانستند مطلب را بجائی برسانند و روز بعد از آنکه شروع باین عملیات کردم یواش یواش قضایائی کشف شد که تا امروز وقتی میخواهیم حساب کنیم قریب صد هزار تومان همین اشخاصیکه الان هستند در محاکمات کرده اند و نشانی داده اند و گفته اند که چه جور آمده ام يك مقدار از اموالشان را هم داده اند که رفتم و اموالشان را توقیف کرده ام

فرخی - اسم ببرد کیها هستند، اسم، اسم

وزیر عدلیه - اجازه میفرمائید بنده صحبتم را بکنم اگر بنده میخواستم اسم بگیرم ممکن بود ولي بيك محظورانی بر میخورم که تا وقتی که استنطاق تمام نشده است نمی شود و بایستی محرمانه باشد (صحیح است) و عملیات تمام بشود ولي بنده اینجا کارها را عرض میکنم روی همین راپرتی که در این جا بنده دارم يك نفر از قیابدار ها که آن جا هست میگوید که من با يك نفر از ریز نویس های پای قیاب کار هائی کرده ام ...

فرخی - دیگران دزدی نمیکنند؟

(زنك رئیس)

رئیس - (خطبات به آقای فرخی) - رعایت انتظامات را بفرمائید .

وزیر عدلیه - که نفلان شخص دیگر که پیشخدمت بوده است ماها آمده ایم و همدست شده ایم (طلوع) - تنها اینها گناه کارند دیگران بودند) اینها چندین دسته بودند در انبار و هر کدام يك کار هائی میکردند اند مثلاً يك دسته بودند همین شخص قیابدار که با پیشخدمت و چند نفر از مأمورین امنیه که اینها شب می آمدند و جوال میبردند در انبار و جوال خالی را بر میگردند از گندم فردا صبح با پته های جعلی این جوال های گندم را میبردند بخارج و بعد وارد انبار کرده میفروختند ... (صحبت بین نمایندگان - زنك رئیس)

وزیر عدلیه - اگر بنا باشد که بنده هم بخواهم حرف بزنم و آقایان توجه نفرمایند با حالی که من دارم نمیتوانم بنده از اول از آقایان عذر خواستم چون حال من مقتضی نبود مع هذا آدمم . عرض کنم بعد از آنکه آن گندم را بر میگردند فردا صبح باسم گندمی که وارد انبار میشود بدولت میفروختند با این که میبردند بیرون و میفروختند بخجاز ها . این يك قسم بود . شما تصور میفرمائید همین اشخاص کوچک اختلاسشان چقدر بوده است؟ قریب دویست هزار تومان که هزار خروار جنس

را خودشان اقرار کرده اند...

محمود رضا - با کوچک ها فقط این معامله را میکنند دیگران هم بودند

وزیر عدلیه - عرض کنم که آنچه را که تا بحال پیدا کرده ایم و تحقیق کرده ایم تعقیب کرده ایم هر کسی را که میخواهد بفرستید تحقیق کنید کلیات نگویید اگر شخص جنابعالی اطلاعی دارید بنده حاضرم با کمال میل آن اطلاع شما را بروم تحقیق کنم اگر کسی گفته است یا شخص دیگری اطلاع داده است یا جنابعالی اطلاعی دادید و ما ترتیب تعقیب کنیم بعد اینجا نوبت روی بنده بفرمائید که من بتو گفتم که فلان آدم فلان کار را کرده است و تعقیب نکردی (محمود رضا - خوب امیدواریم به بینیم) عرض کنم خدمتتان همینطور یک دسته دیگر اشخاصی بودند که جنس را که اصلاً وارد انبار نمیشده است پولش را میگرفته اند ترتیب اینطور بوده است که آن بولتن هائیکه در انبار بوده است جعل میکردند و بعد میبردند بحساب انبار میگذاشتند یک مقدار زیادی هم باین ترتیب برده اند یک طریق سومش هم اینطور بوده است که یک عده دیگر اقرار کرده اند که اینها می

آمدند جنس را که سی من بوده است پنجاه من مینوشند پنجاه من را هفتاد من مینوشند وقتی که قیامدار بارز نویسی پای قیام همدست با کسی که مأمور کنترل بوده است باشند این نتیجه کارشان بوده است و در نتیجه بطوریکه بنده عرض کردم قریب صد هزار تومان معلوم شده است که این اشخاص برده اند. خوب همان آدمی را که روز اول ما گرفته بودیم میگفت که من بکلی چیزی ندارم شما بروید زندگانی مرا به بینید و ملاحظه کنید که من باماهی سی تومان فرش ندارم و امروز هفت هشت روز است خانه ام رفته ام و روز های اول هم در خانه اش چیزی بدست نیامد اگر ما میخواستیم بگوئیم که این حرفها راست است و اول هم بنظر اینطور میامد و مطابق لفظ آقا باید

ولش کنیم و شاید آقا میدانند که همین آدم بعد بیست و پنجروز بعد از استنطاقات مکرر و تحقیقات زیاد بالاخره نشان داد که در منزل یکی از رفقای خود شش هزار و نهصد تومان پول دارد (روحی - دزدند این را صحیح است) ما رفتیم پول را در آوردیم خور ممکن است البته باز عرض میکنم آقای من ممکن است که قانون یک مرتبه پرش بگیرد بیک نفر آدم که حقیقه در پیش وجدان خودتان بگوئید که این شخص بی گناه است ولی از نقطه نظر صورت قانون متهم است و گناهکار است و یک مرتبه هم ممکن است قانون بزرگ بگیرد بیک بیچاره دیگر و مدتی هم او را تعقیب کنند قرائن هم باشد و بعد معلوم شود که آن شخص مقرب نبوده است حالا اگر بنامش یک نفر را بنده توقیف کرده باید بگویم برای این که ممکن است این شخص تقصیر کرده باشد بهر وسیله که هست باید محکومش کنیم خیر ما می آئیم با یک قوانینی یک شخصی را تعقیب میکنیم بعد از آن معلوم میشود که بی تقصیر است ... فرخی - چه چیز جبران حیثیت آن شخص را شما گرفته اید میکند؟ (با حرارت)

وزیر عدلیه - راست میگوئید شما ولی هیچکس در دنیا نتوانسته است این را جبران کند شما خودتان نگاه کنید در جرائم خارج می بینید که می نویسند که فلان شخص را بردند محاکمه کردند و تبرئه شدند یا کردند حیثیت آن شخص را جبران میکنند.

فرخی - قرائن قویه قویه لازم است برای تعقیب (صدای زنگ)

وزیر عدلیه - البته دلائل قویه باید باشد تشخیص این که دلائل قویه باید باشد که این قرائن قوی است یا خیر این با کی است؟ با آن کسی است که رسیدگی میکنند یا آن اشخاصی که تحقیق میکنند شما تصور میفرمائید که بمحض این که

می بگویند که فلان است ما میرویم تعقیب میکنیم؟ الان يك مثالی میزنم در يك ماه و نیم قبل يك غذای امضائی به بنده رسید که اگر شما میخواهید شخص مختلس را تعقیب کنید فلان شخص که در اداره رزاق فلان محل غیر از رزاق طهران است این شخص را شما بدهید توقیف کنند آنوقت معلوم خواهد شد که البته نمیتوانم بصرف کاغذ بی امضائی که فلان آدم بدهد توقیف کنند بعد معلوم خواهد شد يك کسی را توقیف کنیم برای اینکه کسی که خودش جرئت نمیکند مضایق را در کاغذی که به بنده مینویسد بنویسد چطور بشود بحرفش اعتماد کرد ولی چون يك حرفهائی در کاغذ بود بنده گفتم که باید تحقیقات کرد قریب يك ماه طول کشید این تحقیقات مخفی بعد از آنکه تحقیقات کافی شد دیدیم که مسئله بنظر یکقدری با اساس می آید و بعد بنده از مجاری رسمی باز يك کار هائی کردم تا این که چهار روز قبل دادم آنشخص را توقیف کردند این شخص در ماه صد تومان حقوق داشته است امروز وقتیکه رسیدگی کردند تا امروزش هفت هزار تومان را خودش اقرار کرده است و بیست هزار تومان قبالة املاک آن چیز هائی بوده که بالاخره از این ماهی صد تومان اسناد کرده است آقای من پس نمیشود گفت که کسی آن کسی را که تعقیب میکنند بدون دلیل است. وقت بود که ما هر چه اقدام میکردیم نتیجه میکردیم این دلیل قطعی میشد که یا ما يك اشخاص خیلی سست عنصر هستیم که می آئیم بحرف هر کس گوش میدهیم و بیخود میرویم مردم بی گناه را میگیریم یا این که ما مردمان مفرض هستیم که بی خود میخواهیم پولش برای مردم بدوزیم ولی وقتی که ما يك اشخاص را تعقیب میکنیم از ده موردی که نتیجه میگیریم يك مورد هم اتفاق می افتد که تحقیقات ما بجائی نمیرسد این که او زرنک تر از ما بوده است و باصطلاح دم می ناله نداده است یا این که حقیقه بی گناه بوده است خوب آقا من چه کار کنم؟ بیایم از این مواردی که

ممکن است نتیجه بگیریم صرف نظر کنیم با احتیاط این که يك بی گناهی تعقیب میشود؟ این اصل قضیه انبار و گرفتاری اشخاص برای این است که ما از يك طرف میبینیم که يك کارهائی در مملکت میشود و يك پول هائی در مملکت گرفته میشود که باید بمصرف خودش برسد البته يك دزدیهائی که میشود دلمان میسوزد و البته میخواستیم این کارها اصلاً نشود ولیکن وقتی که توقیف شدند اینها البته زن و بچه دارند کس و کار دارند آن زن و بچه البته میآیند جلوی آدم را میگیرند گریه میکنند ناله میکنند همان شش هزار و نهصد تومانی که گفته شده روز هر وقت بنده از دیوان جزا که می آید زن و بچه این آدم می آمدند و ناله میکردند که ما نان شب نداریم و بنده هم می تا کید میکردم که تحقیقات این آدم را زودتر بکنید که تکلیفش معلوم شود بعد هم تصور میکردیم با این قرائنی که هست نباید این آدم گناهکار باشد بعد معلوم شد که اینطور است البته وقتی که ما این اشخاص را ظاهر اینطور می بینیم ترجمان غلبه میکند آنوقت می آئیم نفرین میکنیم به آن کسی که این کار را کرده است که این چه بلائی بود که بجان مردم افتاد آقا مگر من برای کار خودم این کار را میکنم شما خواستید مملکت خواست قانون مملکت خواست (صحیح است) ولی وقتی که من این کار را میکنم و جلوی بیری میکنم باید طرف حمله باشم؟ عرض کنم بخدایت آقا بان بنده که عرض کردم با این حال کسالت مخصوصاً موقع را مقنن دانستم که بیایم اینجا برای این بود که بنده آدمی نیستم که بخوام در جرائم چیزی بنویسم و قبل از وقت يك حرفهائی بزنم ولی حالا که آقا مرا وادار کردند سوال کردند گفتم چه بهتر از این که بگویم در همین اعضاء ادارات اشخاصی هستند که بطور مساعده و از ترس خودشان به بنده بدمیگویند فحش میدهند که بکروزمبادا کار بدشان معلوم شود و بنده بد بخانه بحکم قانون مجبور باشم چشمان را بگیرم يك عده دیگر اشخاص بی طرف هستند يك عده هم اشخاصی هستند که این کارها را نکرده اند و البته بعد

بکند در سال گذشته از همه نقاط جنس وارد کردند بنده در همین جا در پشت همین تریبون عرض کردم که بابا این جنس هائی را که جمع میکنید ضایع می شود فاسد میشود از مردم بیچاره میگیرید اینجا میاورید میماند فاسد میشود آقای نصرت الدوله وزیر مالیه بود فرمودند خیر ما ابداً نخواهیم گذاشت خراب بشود حفظ میکنیم نگهداری میکنیم بطوریکه یکدانه از آن هم خراب نشود خوب این نتیجه اش شد پارسال عرض کرده ام امسال هم اینجا عرض میکنم علاوه بر این راجع به وضعیت ارزاق طهران که دولت اداره کرده است خیلی خوب در پنجسال قبل یا شش سال قبل یکسال زمستان سرمای شدیدی شد غالب زراعت را سرما زد بنده در همان سال که پنجسال قبل بود آدم در جاهائی که داخل عمل بودم گفتم امسال قریب سه ماه با چهار ماه ارزاق طهران کسر دارد از حالا تهیه کنیم اولاً که اعتنائی به مریض بنده نشد و بعد هم که اعتنا کردند از روسها خواستند گندم بخردند آنها هم حاضر شدند گفتند تا طهران خرواری سی تومان وارد میشود گفتند خیر اگر بیست تومان وارد شود ما میخریم چون اینطور شد اینها هم نخريدند نخريدند تا وقتی که به سختی افتادند کسری هم که ارزاق طهران داشت زیاد تر از سه ماه نبود و این کسر را هم يك مقداريش را (پنج هزار خروار) روسها بعنوان اعانه دادند يك مقدار ديگر را هم آوردند در انزلی فروختند خرواری پانزده تومان بایست تومان بادم نیست يك مقداری هم از ابطال خریدند و خرواری صد یا صدو بیست تومان وارد شد تمام ضررهای آن سال را اگر دولت يك اداره صحیحی داشت و خوب اداره میکرد تمام آن ضررها يك ملیون نمیشد اما متأسفانه يك عده خود سر بختند در انبار هر چه خواستند کردند آمد مجلس هشتاد هزار تومان پول جوال آمد اعتراض نکردند چقدر پول گونی اعتراض نکردند چقدر رئیس گونی ها

حالا هم دارم که يك دزد محقق و مسلمی که هیچ قسم لاج او را نمیشود کرد و همچو دستی که بهال مردم به خیانت دراز میشود و غیر از خیانت کاری از او کاری بیاید به همچو دستی ما نباید احترام بگذاریم برای اینچور است ما نباید قیمتی قائل شویم باید اینچور دست را قطع کنیم تا دیگران عبرت بگیرند و سرقت داخلی نشود. اجمع باین کسر انبار که میگویند از کجا شده و تقصیر کیست میگویند شانزده هزار خروار کسر داریم از آنجا که از افت انبار. افت انبار یعنی چه؟ این رعیت بیچاره غیر رعیت يك خروار گندم که میآورد در آنجا میگویند است و پنج من افت هر چه الناس میکنند بیست و پنج من از جا؛ بخرج میبرد میگویند این را باید کنار بگذاریم دیگران را بیاوریم این بیچاره مجبور میشود که هر چه بگویند تسلیم بشود آنوقت میگویند شانزده هزار خروار گندم از این قبیل کسر غله داریم غله که توی رعیت زدیم و گرفتیم حالا شانزده هزار خروار گم شده است خوب از قدیم میگفتند هر چه را باد آوردش برد اینها چون اینچور از مردم گرفتند اینچور آوردند فهمیدند که در انبار جای خوردن اینچور بیست ها است دیدند دولت از رعیت اینچور میگیرد آنها هم بردند خوردند پس خوب بود که روز اول یک نفر بفرستند در انبار به بینند اگر آفت بیست من را پانزده من میگیرند بگویند چرا ده من زیاد بگیرد تا اینکه اعضاء انبار بدانند که دولت بنایش بر مالک است خودشان هم دیگر دزدی نکنند پس تقصیر با دولت است تقصیر با خود دولت است که روز اول اجازه داد آنجا اینکار را نکنند و الا شانزده هزار خروار کسر یعنی چه؟ خدا شاهد است خود بنده گندم بردم گفتند خرواری چهل من جو دارد همان جو راهم عوض بدم دادند بمردم در صورتیکه شاید خرواری پانزده من داشت در چهار سال قبل که بنده بیجک هایش را نگاه داشتم برای يك روزی این افت انبار است خوب است میگویند دولت چرا باید این قدر جنس وارد

و آنهایی که مقصر نیستند خارج شوند. این کاری بوده است که ما تا بحال کرده ایم و توانسته ایم اگر خوب است که خوب است اگر بد کرده ایم آری بسته است به انصاف آقایان

رئیس - آقای فیروز آبادی

روحی - دستور آقا

رئیس - يك بار ديگر ميتوانند حرف بزنند

فیروز آبادی - عرض کنم بنده اولاً هیچ غرض نداشتم و ندارم و تشکر میکنم از آقای وزیر عدلیه که به مجرد اینکه آن جلسه سؤال شد با حال کسالت امروز تشریف آوردند و جواب دادند (صحیح است امیدوارم که سایر وزراء هم همین رویه را تقصیر کنند که این سؤالانی که در مجلس میشود بلا جوار نماند از این حیث الحق تشکر میکنم) ملک آرائی آفرین و امیدوارم که دیگران هم بایشان تأسی بکنند تا فرمودند که بنده عقیده به مجازات داشتم مجازاتهای شدید حالا هم همان عقیده را دارم از عقیده ام بر نکند اگر آن عقیده که بنده داشتم و دارم عملی میشد از ترتیبات امروز پیش نیامد اگر يك کسی که معلوم میشد سارق است و خائن است آن روزی که معلوم میشد مجازات میکردند ابداً این ترتیبات پیش نیاید و این شانزده هزار خروار غله در انبار مقفول نمی شد و این وضعیت امروزی پیش نمی آمد چرا اینچور شد بواسطه اینکه مجازات نبود در مملکت همه اش را یا بوسایه یا به رشوه یا به دوستی یا به چیزهای دیگر صرف می شد یا به ترحات بیچاره مرد که بیست دفعه سرقت کرده در این بیست دفعه گیر آمده و حبس شده باز دفعه بیست و یکم مرخص میکنند باز هم مجازاتش نمیکند این قهراً همه را دزد میکند باید همان عقیده را که بنده داشتم و دارم عمل بکنند باید مجازات ها شدید باشد تا این سرقت ها نشود و این محظورات پیدا نشود بنده به آن عقیده باقی هستم و از آن عقیده بر نگشتم

آنکه یکفکری دقت شود معلوم میشود که این تعقیبات يك تعقیبی بوده است که نتیجه داده و يك مقدار مال رفته و دزدیده شده دولت برگشته است و این مسئله باعث خواهد شد که دیگر از این قبیل قضایا اتفاق نیفتد بلکه لااقل فحش ندهند و این رویه مرفته يك قسمت از وضعیاتی است که بعمل آمده است معذک قول قطعی میدهم که در این امور خیلی با احتیاط پیش برویم و بجرمهایی که هر کس میاید و میزند گوش ندهیم چون بنده متوجه هستم که این روزها مردمی هستند که میل دارند برای اشخاص یا بیندازند ما کاملاً این چیزها را متوجه هستیم که مبادا يك وقتی يك آدم بیچاره در زحمت بیفتد و سعی میکنم که بعد از آن که اشخاصی هم توقیف شدند تحقیقات در باره آنها هر چه زودتر بيك جائی برسد متأسفانه فاصله بین این که ما گفتیم با اینکه پیدا کردیم خیلی زیاد است این صد هزار تومان با هفتصد هزار تومان این است که ما در مانده شده ایم و داریم تحقیق میکنیم و يك عده را هم گرفته ایم که قضیه با این حال بلکه پیش برود و با وجود اینکه هنوز نتیجه کامل نگرفته ایم امیدواریم که این تحقیقات خودمان را به آن سرعتی که ممکن است و بدین از آن چه که تا بحال صرف وقت شده است صرف وقت کنیم که تحقیقات کامل شود و تا بحال با اینکه مأمورین دیوان جزا و مأمورینی که از طرف نامینات معین شده اند برای اینکار اینها از روز دوم آذر که شروع کرده اند که آن روز هم روز عید بوده است از آن روزی که شروع کرده اند تا این ساعت که بنده خدمت آقایان این عرض را میکنم فقط روز شنبه گذشته که عید بوده است تعطیل کرده اند جمعه ها را هم تعطیل نکرده اند يك عید هم در وسط بوده است تعطیل نکرده اند از صبح اینها مبروند تا ساعت هشت و نیم و نه گاهی ده بعد از ظهر کار میکنند همه این کارها برای چیست از رای این است که قضیه بسرعت پیش برود و زودتر معلوم شود که آنهایی که مقصر هستند بروند بمحاکمه

رئیس گونیا کدام بوده از این قبیلها (خنده نمایندگان) درست کردند کسی اعتراض نکرد. آن اعتراض نشدن و رسیدگی نکردن آن روز این را پیش آورد پس این تقصیر خود دولت است تقصیر کسی نیست تقصیر دولت است که جلوگیری نکرد. خوب علاوه بر این سه ماه چهار ماه کسر داشت دولت چهار ماه ارزاق تمام طهران را بجائی داده است در این چهارماه حساب کنیم ببینیم چقدر میشود بآن اعلی قیمت هم حساب کنیم جلاچند سال است دولت خودش اداره کرده است که جبران ضرر آن سال را بکند جبران ضرر حقیقی آن سال چقدر میشود ضرر حقیقی آن سال کم بود حالاً دیگران بواسطه سوء اداره دولت استفاده کردند و خیانت کردند و بدولت ضرر خورد ملت تا چند سال دیگر باید ضرر آنرا بدهد علاوه بر این خوب دولت ضرر داد مال کی بوده؟ مال خود مردم بود. کسی از مال پدرش نیاروده بود بمردم بدهد از خود مردم گرفته بودند در عرض سه ماه چهار ماه دادند به خود مردم خوردند حالا سی سال چهل سال باید ضررش را ملت بدهد. امروز گندم را خرواری سیزده تومان و چهارده تومان در انبار از رعیت میخرند به نانوا هم میدهند بیست و پنج تومان و نیم نانوا نان را میدهد یکمن دوازده عباسی. امروز روزی است که در طهران نان یکمن دوازده عباسی فروش برود؟! ...

کلزونی - قیمت نان باید يك قران باشد

فیروز آبادی - این اداره کردن دولت است. معلوم میشود اینجور کارها را دولت نمیتواند اداره کند بعضی از آقایان میگفتند بنده مخالف بودم حالا فهمیدم که دولت اداره کننده انبار و ارزاق و این قبیل چیزها نیست هر وقت اینجور کارها را میکند خراب میکند امید وارم انشاء الله بعدها خودشان جلوگیری از اختلاس اولی بکنند تا گرفته از اختلاس زیاد نشوند اختلاس زیاد نتیجه اش این است که امروز این گرانی نان همه را مختلس کرده میگوئیم چرا نان یکمن

دوازده عباسی بخوریم نان یکمن یقرا و شش عباس میخوریم بنده خودم هر وقت که از فرورز آباد میآیم دو من نان زیر بغلم میگیرم و می آورم پس دولت خودش همه مردم را مختلس کرده مثل این که در باب تریاک بنده اینجا اینقدر عرض کردم که قیمت این باندول زیاد است برای تریاک حالا بخرج نرفت امروز همه مردم شده اند مختلس و قاچاقچی تریاک خوب یکسیر تریاک میگذارم تو بیچیم چهار تومان و بیست فایده اش است. کی نمیکند؟ کدام وزیر کدام کدوم عالم کدوم جاهل این اختلاس را نمی کند؟ (خنده نمایندگان)

احتشام زاده - آدم درست

فیروز آبادی - یکی پیدا بشود بگوید که من نمیکم (خنده نمایندگان) من تصدیق میکنم حالا بنده خاتمه امید وارم انشاء الله آقای وزیر عدلیه بهمان اعمد که مجلس بایشان داشت.

بعضی از نمایندگان - و دارد

فیروز آبادی - و آن رأی را هم داد در این قسم عملیات خیلی مراعات حال مردم و حال اوصاف و آسایش مردم را بکند این اشخاص را عرض کنم مقصر نیستند مقصر خود دولت است اگر روزی جلوگیری می کرد بهتر بود حالا هم آن اشخاص دوه حس بسشان است خوب است زود تر رسیدگی کنند و اینهارا مرخص بکنند اینها اشخاص محترمی است مجال است عقب اختلاس بروند انشاء الله شب و روز خودشان را صرف این بکنند که اینهارا زودتر مرخص بکنند و یک قسمی بشود که بنده بیایم اینجا تشکر خوب اگر صد هزار تومان دادند بمردم پنجاه هزار تومان پیدا کردند امیدوارم که يك پیدا کردن دیگری بعد این بکنیم از معادن و اینجور چیزها از این چیز پول پیدا نمیشود

۳ - مذاکره در لایحه تأمین مدعی به از ماده ۳۲] رئیس - لایحه قانون تأمین مدعی به از ماده سی و دو روح است قبلاً باستحضار آقایان میرسانم که آقای دهستانی آقای فرخی اجازه خواسته اند وقتی که سؤال میشود کسی که سؤال کرده است میتواند حرف بزند (صحیح است) دیگران نمیتوانند حرف بزنند (صحیح است) ماده سی و دوم - توقیف محمول املاک و باغها ولو که محصول عین مدعی به یا محکوم به باشد ممنوع است در مواردی که سایر دارائی منقول و غیر منقول عین مدعی به یا محکوم علیه برای تأمین مدعی به یا محکوم به کفایت نکند

در صورتیکه مدعی یا محکوم له نتواند برای طرف ثانی دیگری ارائه دهد و بدین جهت محصول ملک یا توقیف شود مدعی علیه یا محکوم علیه حق دارد ضایع تبدیل نموده یا مطابق مقررات قوه ضامن بدهد هر گاه مدعی علیه یا محکوم علیه تأمین دیگری که حیث سهولت فروش و قیمت کمتر از محصول نباشد پیشنهاد کرد تقاضای او پذیرفته خواهد شد ولو اینکه محصول عین مدعی به یا محکوم به بوده و مدعی یا محکوم له رضایت به تبدیل ندهد.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- این ماده خیلی خوب تنظیم شده آن نظری که همه ماها داشتیم راجع به توقیف املاک نوعی واقع شود که اسباب تفریط و تعدی و تلف اموال بود نه آن کسی که حق دارد حق او از بین برود نه واقفاً مثل آن توقیفاتی که روز گذشته عرض کردم از این واقع شود که حقیقه این توقیف های سابق مال مردم بوده است چیزی که هست آقای مخبر چه داشته باشند این موضوع است که در اینجا میگوید که مدعی علیه یا محکوم علیه تأمین دیگری که از حیث سهولت فروش و قیمت کمتر از محصول نباشد

پیشنهاد کرد تقاضای او پذیرفته خواهد شد. اینجا دیگر الزام نمیکند آن تقاضا را میگوید تقاضای او پذیرفته خواهد شد اما دیگر الزام نمیکند که این تقاضا اجباری است لکن در مقابل اینکه اگر محکوم علیه آمد آن مالی را که باید توقیف کنند خودش گفت که مال دیگر مرا توقیف نکنید محصول مرا توقیف کنید اینجا آقای مخبر توجه فرمایند (حیف که نمیگذارند) آقای وزیر هم توجه فرمودند که چه جور ماده را تنظیم کرده اند. میگوید مدعی علیه یا محکوم علیه حق دارد تقاضا نماید که بجای دارائی دیگر من محصول مرا توقیف نمایند در اینصورت تبدیل توقیف الزامی است نظر بنده این است که آقای مخبر توجه فرمایند در اینجا مطابق همان نظری که در کمیسیون اتخاذ شد که بقدر امکان توقیف نسبت به محصول از بین برود یعنی در واقع خیلی این حکم را محدود کنیم خیلی لوازم را از این حکم برداریم که اسباب تلف واقع نشود و در واقع بهر جائی که راه فرار داریم که بتوانیم فرار کنیم از توقیف محصول این راه برای من باز است مگر در وقتی که ناچار بشویم و به بینیم مطابق آن تقاضای طرف و حتی تقاضای طرف در مواردی که الزامی است که محکمه باید بپذیرد تقاضای تأمین را و ناچار بشود که راه ها مسدود است آنوقت توقیف طبعاً میروند روی محصول. اینجا آمده است فرق گذاشته میگوید هرگاه مدعی علیه یا محکوم علیه تأمین دیگری که از حیث سهولت فروش و قیمت کمتر از محصول نباشد پیشنهاد کرد تقاضای او پذیرفته خواهد شد نمی گوید که تقاضای او الزامی است در صورتیکه طوری ما در نظر گرفته بودیم که هیچ نسبت به محصول توقیف نباشد و توقیف حق الامکان نسبت بغير محصول باشد و ما باید با فشاری کنیم در قوانینی که از مجلس میگذرد عنوان توقیف نسبت بملك و محصول از بین برود و این سابقه

بدی که پیدا شده است و املاک را از بین میبرد باید کم کم بحکومت قانون از بین ببریم این جا می نویسد که تقاضایش پذیرفته خواهد شد که بگوید الزامی است این تقاضا ولی در صورتیکه محکوم علیه تقاضا کند بگوید که نه دارائی دیگر مرا توقیف کنید خانه مرا توقیف نکنید یا خیلی فرنگی مآب است مبلش را میخواهد بگوید مبل من را توقیف نکنید ولی بروید نان گندم مرا توقیف کنید خیلی فرنگی مآب است دیگر بگوید بروید نان مرا توقیف کنید و مبل مرا توقیف نکنید که بهم نخورد این جا الزامی است اما در تقاضای تبدیل زراعت و محصول بدارائی دیگر الزامی نباشد؟ این جور نمیآید بآن فلسفه که در کمیسیون در نظر بود که محصول حق المفقور توقیف نشود و بنده عقیده ام این است که هر جا توقیف نسبت بمحصول است و تقاضای تبدیل میشود که از توقیف آن محصول خارج شود این جا باید تقاضای تبدیل را بپذیرند و الزامی باشد و هر جا که نسبت بغير محصول است الزامی نباشد ولی در این ماده بر خلاف این نظریه نوشته اند و قبول تقاضای رفع و تبدیل توقیف محصول را الزامی نکرده اند و بنده پیشنهاد میکنم که این قضیه اصلاح شود

مخبر - عرض کنم مقصود از عبارتی که در اینجا نوشته است و آقا قرائت فرمودند در ماده این است که تبدیل الزامی باشد اگر عبارت اخیر و قسمت آخر ماده را قرائت می فرمودند این معنی را حاصل می کردند و ملاحظه می فرمودند که این منظور شده و نوشته شده است ولو اینکه محصول عین مدعی به یا محکوم به بوده و مدعی یا محکوم له رضایت به تبدیل ندهند باز تقاضا پذیرفته میشود اگر چه آن مدعی یا محکوم له رضایت ندهد و تقریباً این جمله اشکاست از اینکه بنویسیم الزامی است (صحیح است) و نظر شما تأمین شده است مع هذا اگر در نظر دارید ممکن است يك عبارتی تهیه و پیشنهاد کنید که این نظر را برساند والا

خود ماده مقصود را میرساند چون نوشته است اگر محکوم له راضی هم نشوند باز تقاضای مدعی علیه تبدیل توقیف محصول پذیرفته میشود و اعتنائی بر رضایت آنها نمیشود عیناً مسئله نظریه سرکار رئیس - ماده سی و سوم قرائت میشود :

ماده سی و سوم - در مواردی که مطابق ماده فوق نمیتوان محصولی توقیف بشود بطریق ذیل عمل خواهد شد اگر محصول جمع آوری شده باشد سهم مدعی علیه یا محکوم علیه پس از وضع مالیات دولتی و مخارج زراعتی از قبیل علوفه عوامل و بذر و خرج تنقیه عادی و مخارج عادی رودخانه باندازه که سهم مدعی یا محکوم علیه تعلق میگیرد بطوری که ذیلاً برای توقیف اموال منقول مقرر است توقیف خواهد گردید - هر محصول جمع آوری نشده باشد برداشت محصول خواهد بود خواه بدفعات با حضور مأمور اجرا بعمل برداشته شود یا نه - مأمور مزبور حق هیچگونه مداخله در امر برداشت محصول نداشته و فقط برای تعیین میزان محصول جمع آوری میشود حضور پیدا خواهد کرد مدعی یا محکوم له نیز در موقع برداشت محصول حق حضور خواهد داشت پس برداشت محصول توقیف آن مطابق مقررات فوق خواهد آمد

رئیس - آقای وثوق

آقا سید مرتضی وثوق - این ماده علاوه بر این اولاً با آخرش يك تناقضی دارد تکلیف مأمور هم خوب واضح معین نشده است چون در اول ماده می نویسد : محصولی جمع آوری شده باشد سهم مدعی علیه یا محکوم له پس از وضع مالیات دولتی و مخارج معموله زراعتی و مخارج عادی رودخانه باندازه که سهم مدعی علیه یا محکوم له تعلق میگیرد بطوری که ذیلاً برای توقیف اموال منقول مقرر است توقیف خواهد گردید . اینجا می نویسد بطوریکه ذیلاً مقرر است برای توقیف

وال منقوله . بعد می نویسد هر گاه محصول جمع آوری نشده باشد بر داشت محصول خواه دفعتاً باشد خواه بدفعات با حضور مأمور اجرا بعمل خواهد آمد و رابنده نمیدانم مأمور اجرا چه جور می تواند توقیف کند؟ چون باز می نویسد مأمور مزبور حق هیچگونه مداخله در امر برداشت محصول نداشته و فقط برای تعیین میزان محصولی که جمع آوری میشود حضور پیدا خواهد کرد . خوب مأمور اجرا چه قسم رفتار کند تکلیفش چیست؟ این جا که درست و واضح معلوم نیست چون می نویسند که حق مداخله در امر برداشت محصول ندارد و شاید رفت که محصول مدعی علیه را توقیف نظر در بیاورد و توقیف کند بموجب این ماده موصلاً باو گفته میشود که تو حق مداخله نداری هر گاه هم که حق مداخله ندارند پس مأمور چه شکل وظیفه کند و توقیف کند؟ خوب مداخله که میتواند بکند پس توقیف هم معنی ندارد معنی توقیف این است که مأمور اجرا حاصل املاک محکوم علیه را بردارد سهم او را بردارد و ببرد در يك گوشه بریزد توقیف مقرر و موم کند تا این که محکمه حکم قطعی صادر کند و در این مدت توقیف از مداخله هر کس جلوگیری کند تا موقع صدور حکم یا بر له مدعی و محکوم له یا بر علیه او ولی در این صورت که در ماده این قسم نوشته اند بنده نمیدانم قانون چه شکل اجرا میشود چون یعنی برای مأمور صریحاً معلوم و معین نشده و نمیدانم این ماده مأمور چطور مأموریت خودش را اجرا کند؟ بعلاوه در ذیل ماده نوشته شده است مدعی محکوم له نیز در موقع برداشت محصول حق حضور خواهند داشت پس از برداشت محصول توقیف آن سابق مقررات فوق بعمل خواهد آمد . در این هم بنده که يك مقرراتی ندیدم که مطابق آن مأمور اجرا بوظائف خود رفتار کند این را استدعا می کنم آقای مخبر يك توضیحی بدهند .

مخبر - عرض کنم که نظر اعضای کمیسیون و آقای وزیر عدلیه این بود که محصول حتی الامکان توقیف نشود ولی اگر ناچار شدیم که محصول را توقیف کنیم همینطور که در ماده فروختنش معین شده آن محصولات را بترتیبی که معین شده توقیف می کنند - بعضی محصولات هست مثل گندم و جو و غیره که يك دفعه برداشت می شود بعضی ها ترتیب دیگری دارد و تدریجی است مثل یونجه و پنبه که بدفعات عدیده پنبه یا یونجه را باید بردارند بعضی محصولات هم هست مثل ترباک در اوقات و ساعات معین و با ترتیب خاص باید جمع آوری کرد که شبیه هیچکدام نیست - خوب اگر محصول جمع آوری شده باشد عین محصول متعلق بسهم مالک را که فعلاً طرف ادعا است و متعلق بمدعی علیه یا محکوم علیه است مأمور اجرا توقیف میکند مطابق مقرراتی که در مواد بعد میآید راجع بتوقیف اموال منقوله - اگر هم محصول بدفعات جمع آوری باید بشود آنجا باید وقتی که محصول تماماً جمع آوری شد مأمور باید مداخله کند اگر بخواد هر دفعه در حین جمع آوری مداخله کند این مقصودی که ما داریم بعمل نمی آید یعنی حیف و میل هائی ممکن است بدست مأمورین پیش بیاید و واقع شود و ما میخواهیم يك قدری دست مأمورین کوتاه باشد و مأمور اجرا در حین برداشت محصول مداخلاتی نداشته باشد خود مالک یا زارع به ترتیبی که بین خودشان معمول است جمع آوری میکنند وقتی که سهم مالک معین شد چقدر است آنوقت مثل محصول جمع آوری شده آن مقدار را بردارند و توقیف کنند نه اینکه هر دفعه در حینی که دارند پنبه چینی می کنند برود و مداخلاتی بکند و دستوراتی بدهد در این صورت تصدیق می فرمائید که يك تقریباتها و يك حیف میل هائی ممکن است بشود و مأمور در حین برداشت محصول يك دخالت هائی شاید بکند که صلاح نباشد و منظور نیست (صحیح است) ولی وقتی که محصول بدفعات عدیده جمع آوری شد آنوقت

توافق است آن را منهای کنند و بقیه محصول را توقیف می کنند اما اگر اختلاف شد باید حد اقل محسوب شود تا محکمه تکلیف قطعی را معین کند و همان حد اقل را منها کنند یعنی اگر فرضاً مدعی گفت بیست خروار بذر و سایر مخارج است و مدعی علیه گفت بیست و پنج خروار اگر ما حد اقل را نگیریم و بیائیم بیست و پنج خروار بگیریم و منها کنیم و نسبت باختلاف برود محکمه و محکمه هم بیست خروار را تصدیق کند این جا برگرداندن آن پنج خروار از مدعی علیه قدری مشکل است ولی اگر از اول همان حد اقل را منها کردیم و توقیف کردیم و نظر محکمه بیشتر بود آنوقت برگرداندن و وارد انبار کردنش چندان اشکالی ندارد و اسباب زحمت نیست و پنج خروار زیادی را میدهند بمالك (مدعی علیه) که برود خرج زراعتش کند ولی در صورت عکس پس گرفتن آن پنج خروار از مالك و توقیف کردن آن قدری اشکال دارد پس این ماده مقرون با احتیاط است و درست هم تنظیم شده است.

رئیس - ماده سی و پنجم:

ماده سی و پنجم - در صورتی که محصول قبلاً فروخته شده و قیمت آن در موقع توقیف هنوز پرداخته نشده باشد قیمت نزد خریدار توقیف گردیده و اقساط آن در موقع وصول در صندوق عدلیه توقیف خواهد شد

رئیس - ماده سی و ششم:

ماده سی و ششم - هرگاه محصول باجاره داده شده باشد مال الاجاره در نزد مستاجر توقیف شده و پس از وصول در صندوق عدلیه توقیف خواهد گردید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا آقای مخبر توجه بفرمایند که يك وقتی در اینجا هم گفته شده يك املاکی است اجاره داده میشود و تخم را هم خود آن مالك خواهد داد ملك را اجاره میدهد ولی تخم را هم خودش میدهد

تخم را هم از همان مال الاجاره میدهد - در این جا نوشته شده است هرگاه محصول باجاره داده شده باشد مال الاجاره در نزد مستاجر توقیف شده الی آخر در صورتیکه ما آمدیم و گفتیم مصالح زراعتی توقیف نمیشود پس اینجا که نوشته شده است کلیه مال الاجاره نزد مستاجر توقیف میشود باید اینجا قید کنیم در صورتی که این مال الاجاره برای مصارف و مصالح زراعتی محتاج الیه نباشد. آقای مخبر آقا بشما صحبت میکنم اهوی والله چیز غریبی است نه مخبر گوش میدهد نه وزیر چه عجبی است پیشنهاد میکنم. خوب تمام شد دیگر پیشنهاد باید بکنم مخبر هستی؟! عجب مخبری؟ حرف مرا گوش نمی دهید

رئیس - ماده سی و هفتم قرائت میشود.

ماده سی و هفتم: توقیف اموال منقول بترتیبی باشد بعمل آید که در مقررات مربوط باجرای احکام محاکم مصرح است

رئیس - ماده سی و هشتم:

ماده سی و هشتم - مهر و موم کردن اموال منقول سپردن آن بخود مدعی علیه یا محکوم علیه و یا سپردن آن بشخص ثالث منوط بنظر محکمه است

رئیس - نظری نیست؟

(نمایندگان - خیر)

[۴] - اقتراع جهة تبریک عید مولود امام عصر

رئیس - پیشنهاد شده است که جلسه را ختم کنیم (صحیح است) چون روزین جشنیه مصادف است با عید تولد حضرت حجة سلام الله علیه و میبایستی برای تبریک هیئتی را بقرعه معین کنیم این است که تعیین می کنیم (صحیح است)

(آقای مؤید احمدی اقتراع نمودند و نتیجه این فایده حاصل شد)

آقایان: جمشیدی - آقا سید کاظم یزدی - کاشانی

یکشنبه بیست و نهم دیناه سه ساعت قبل از ظهر و دستور بقیه مذاکرات امروز نسبت بلاوجه تأمین مدعی به (صحیح است)

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر